

نظریه انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی شهید صدر علیه السلام

* محمدحسین جمشیدی

** ابراهیم ایران نژاد

چکیده

شهید سیدمحمدباقر صدر از کسانی است که نظریه نسبتاً جامعی را در خصوص چیستی، امکان، ضرورت، شرایط و چگونگی تحقق «انقلاب» تحت رهبری مکتب اسلام مطرح کرده است. نظریه او در باب انقلاب نه از نوع نظریه‌های پسینی یا تحلیل‌گر بلکه از نوع نظریه‌های پیشینی و هنجاری یا راهنمایی‌کننده و دلالت‌گر و در نتیجه تعیین‌کننده جهان‌نگری و ایدئولوژی انقلاب است. او در این راستا با تکیه بر ارکان و بنیان‌های نظری سنت‌های تاریخ و آزادی انسان به مسئله امکان انقلاب و ضرورت آن برای جوامع اسلامی در دوران معاصر می‌پردازد و سپس با تکیه بر عواملی چون مکتب و ایدئولوژی، شرایط زمانی و آمادگی، شناخت مکتب و مقتضیات، توان رهبری، اراده و امکانات و توانایی‌ها، به بیان چگونگی تحقق انقلاب تحت رهبری مکتب اسلام می‌پردازد.

واژگان کلیدی

نظریه انقلاب، انقلاب اسلامی، سنت، آیت، حکم، آزادی، سنت‌های سیاسی - اجتماعی.

jam14si@yahoo.com

irannejad1985@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۷

*. استادیار دانشگاه تربیت مدرس.

** پژوهشگر جهاد دانشگاهی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۱۵

مقدمه و بیان مسئله

انقلاب اسلامی ایران، حرکتی رهایی‌بخش، مردمی و متکی بر اسلام و ارزش‌های معنوی و متعالی آن بود که با رهبری خردمندانه امام خمینی ره و بذل توجه و کوشش برخی دیگر از بزرگان اندیشه و معرفت و حضور گسترده و فراگیر مردم در عرصه خیزش و قیام و براساس سه رکن بنیادین مکتب (دین و معنویت)، رهبری (امام خمینی ره)، دانشمندان و روشنفکران دینی) و مردم، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ هجری خورشیدی به پیروزی رسید. این انقلاب، توانست در بعد داخلی، رژیم سلطنتی استبدادی پهلوی را سرنگون سازد و فرهنگ سیاسی - اجتماعی مبتنی بر اخلاق و معنویت اسلامی را جایگزین فرهنگ تجددگرا نه سیاسی - اجتماعی حاکم کند. در بُعد خارجی نیز به چالش با صاحبان زر و زور و تزویر جهانی پرداخت و به‌عنوان حرکتی نو در دنیای جدید خودنمایی کرد و نظامی مبتنی بر ارزش‌های معنوی بنا نهاد. این انقلاب بزرگ به لحاظ نظری، بر نوعی جهان‌بینی و ایدئولوژی مبتنی است که در آرا و نگرش‌های عالمان و حکیمان بزرگ دوران معاصر، بیان شده است. در واقع، می‌توان گفت کنش و جریان انقلاب، بر گونه‌ای از نظریه‌های انقلاب مبتنی است که اندیشمندان و صاحب‌نظرانی آنها را مطرح کرده و در جهت تحقق‌شان کوشیده‌اند. از این حیث، می‌توان نظریه‌های انقلاب را دو گونه دانست:

۱. نظریه‌های پیشینی یا نظریه‌هایی که پیش از وقوع انقلاب و در جهت بیان ایدئولوژی انقلاب مطرح می‌شوند. این نظریه‌ها نقش راهنما یا هنجاری و تجویزی^۱ دارند و بیشتر، رهبران انقلاب یا مکاتب انقلابی یا مصلحان بزرگ، آنها را عرضه می‌کنند.
۲. نظریه‌های پسینی یا نظریه‌هایی که به ندرت هم‌زمان با انقلاب، بلکه بیشتر پس از تحقق انقلاب یا حتی گذشت زمانی از آن و در جهت تحلیل و تبیین و توصیف انقلاب یا توجیه آن مطرح می‌شوند. متأسفانه امروزه در بررسی انقلاب‌ها بیشتر به نظریات نوع دوم توجه می‌شود؛ در حالی که نظریه‌های نوع اول با توجه به نقشی که در وقوع انقلاب‌ها دارند، نه تنها از نظریه‌های نوع دوم کم‌اهمیت‌تر نیستند، بلکه در شناخت انقلاب و حتی چگونگی وقوع آن نقش اساسی‌تری دارند. بنابراین برای شناخت انقلاب، پیش از هر چیز، آگاهی از این

1. Normative.

نظریه‌ها - که در بیشتر موارد، علاوه بر آنکه نظریه در باب انقلاب هستند، نظریه‌های انقلابی نیز هستند - ضروری است. این امر، به‌ویژه در مورد انقلاب اسلامی ایران صادق است که انقلابی ارزشی و مبتنی بر جهان‌بینی و جهان‌نگری و دیدگاه‌های ارزش‌محور است.

تنها تعدادی اندک از تحلیل‌گران انقلاب اسلامی ایران، به صورتی نسبتاً جامع و به‌مثابه ایدئولوژی و ایدئولوگ‌های تعیین‌کننده، در این باب نظریه‌پردازی کرده‌اند و در پیشنهاد راه‌حل‌های نظری یا بیان نظریه‌ای تجویزی و هنجاری در راستای وقوع انقلاب اسلامی ایران، نقشی محسوس و مؤثر داشته‌اند. در این میان، می‌توان قبل از هر اندیشمند و نظریه‌پردازی، به رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام اشاره کرد. پس از امام خمینی علیه السلام نیز از میان مراجع و خبگان و صاحب‌نظرانی که به لحاظ نظری و فکری، بیش از دیگران در زمینه‌سازی انقلاب اسلامی نقش داشته‌اند، شهید صدر است که به بیان هرایر دکم‌جیان:

به روشنی، نظریه جامع انقلاب اجتماعی و سیاسی ویژه استقرار یک جامعه اسلامی را ترویج کرده بود. (دکم‌جیان، ۱۳۶۶: ۲۰)

او در جریان انقلاب و چند صباحی پس از پیروزی آن نیز همچنان مسئله انقلاب را در کانون توجه خود قرار داد. برای مثال، یکی از اقدامات مهم او در این زمینه، نگارش کتاب ارزشمند «الاسلام يقود الحياة» (اسلام راهنمای زندگی) و تقدیم آن به ملت انقلابی ایران است که در مقدمه یکی از بخش‌هایش می‌نگارد:

امام خمینی در طرح شعار جمهوری اسلامی هدفی جز ادامه دعوت پیامبران و استمرار نقش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام در برپایی حکومت الهی بر روی زمین نداشت. (صدر، ۱۴۱۰: ۳۱ و ۳۲)

شهید صدر از طریق آثار ارزشمندی چون «فلسفتنا»، «اقتصادنا»، «المدرسة الاسلامیه»، «الاسلام يقود الحياة» و... با بیان مبانی و مسائل مرتبط با قیام، مبارزه و انقلاب، نقش ایدئولوگ و هدایتگر را در انقلاب اسلامی ایران ایفا کرد. همچنین، بیانیه‌ها، مکتوبات، فتواها، اعلامیه‌ها و اقدامات متعدد ایشان در این حوزه، بر نقش و جایگاه او در این عرصه تأکید دارد. نقش و تأثیر بنیادین شهید صدر را دلایل و قرائن گوناگون تأیید می‌کنند؛ اما آنچه به لحاظ

پژوهشی اهمیت بیشتری دارد، نه نقش ایشان در شکل‌گیری انقلاب، بلکه چیستی «نظریه انقلاب» - با در نظر گرفتن عنصر دین - و ویژگی‌های آن در اندیشه و آرای این شخصیت است. بر همین اساس، پرسش اصلی این نوشتار این است که شهید صدر در نظریه خویش، به‌عنوان یک نظریه پیشینی، چه تصویری از انقلاب و روند تحقق آن دارد؟ برای پاسخ به پرسش پژوهش، بحث را در سه محور اساسی بررسی می‌کنیم: سنت‌های سیاسی - اجتماعی، آزادی انسان، امکان انقلاب.

الف) سنت‌های سیاسی - اجتماعی

یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه شهید صدر درباره انقلاب از منظر دین و مکتب، مفهوم «سنت اجتماعی - سیاسی» یا «سنت تاریخی» است. در این نگاه، زندگانی اجتماعی، سیاست و تاریخ، تعداد فراوانی ضابطه و به بیان دقیق‌تر، قانون به مفهوم عام دارد که در بطن آن نهفته است. این قوانین و ضوابط، تمام عرصه‌ها و میادین زندگانی انسان - به‌ویژه عرصه سیاست، یعنی عرصه سرنوشت عمومی و همگانی (جمشیدی، ۱۳۷۷: ۸۴ و ۸۵) - را در بر می‌گیرد. بر همین اساس، یکی از وظایف مهم اندیشمندان، کشف این قوانین و ضوابط و جهت دادن به زندگانی مردم بر مبنای آنهاست. از ویژگی‌های این قوانین، ارتباط آنها با اراده انسان و آزادی عمل اوست. از این‌رو، به معنایی می‌توان این قوانین را «طبیعی - انسانی» دانست. از نظر شهید صدر، یکی از مسائل اساسی مورد بررسی و پژوهش در ادیان و مکاتب الهی، به‌ویژه مکتب اسلام، همین سنت‌هاست.

در نتیجه، در نگرش او، قرآن - به‌عنوان متن اصیل اسلام - با توجه به اینکه کتاب هدایت و رهبری انسان است و محور عمده مباحث آن نیز «انسان» است، به مسائل انسانی چون انقلاب، اصلاح، سیاست و اداره امور عمومی، عنایت خاصی دارد:

... بحث در قوانین تاریخ، رابطه شدیدی با قرآن به‌عنوان هدایت، به‌عنوان کتابی که از تاریکی‌های ضلالت به سوی نور هدایت، رهبری می‌کند، دارد؛ زیرا جنبه عملی این کار، یا جنبه بشری آن، تحت تأثیر سنت‌های تاریخ است. (صدر: بی تا و: ۵۱ و ۵۲؛ بی تا ز: ۱۱۷)

این قوانین و ضوابط اجتماعی و تاریخی در زبان قرآن با عنوان «سنت»، «آیت» و «کلمه» و به صورت جمع: «سنن»، «آیات» و «کلمات» آمده است که گاه نیز به اسم خدا (الله) اضافه شده و تحت عنوان «سنت‌الله» یا «آیات‌الله» و یا «کلمات‌الله» ذکر شده است. برای نمونه در قرآن آمده است:

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا. (فتح / ۲۳)
 سنت خداوند [یکتاست] که از پیش تحقق یافته و هرگز در سنت خدا دگرگونی نیایی.

و یا:

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ. (آل عمران / ۱۳۷)
 پیش از شما سنت‌هایی وجود داشته است؛ پس در زمین به سیر و سیاحت بپردازید و بتگرید، تا بدانید پایان کار دروغ‌گویان چگونه بوده است.

و یا:

... وَكَأَمْبَدَلٍ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ. (انعام / ۳۴)
 تغییر دهنده‌ای برای کلمات خدا وجود ندارد.

آیت‌الله صدر در تفسیر این آیه از قرآن، با اشاره به برخی آیات دیگر و مسئله انقلاب می‌نویسد:

بنابراین، کلمات خدا تبدیل نمی‌شود؛ یعنی نشانه‌های وعده‌هایش در طول تاریخ تغییرپذیر نیست. (صدر، بی تا و: ۶۴؛ بی تا ز: ۱۲۹)

و در ادامه بررسی خویش درباره مفهوم «کلمه»، با اشاره به مسئله جهاد و قیام و رابطه آن با پیروزی و شرایط و امکانات، چنین می‌نویسد:

«کلمه» یعنی رابطه مستقیم بین پیروزی و تکمیل شرایط آن و اوضاع و احوال دیگر ... این رابطه یک سنت تاریخی است. (صدر، بی تا و: ۶۴؛ بی تا ز: ۱۲۹ و ۱۳۰)

یک. صور «سنن الهی»

علامه صدر سه صورت کلی برای قوانین و سنن الهی ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. صورت قضایای شرطیه؛ ۲. صورت قضایای فعلیه قطعیه و محققه؛ ۳. صورت گرایش‌ها و کشش‌های فطری. او در مورد نوع اول (قضایای شرطیه) می‌نویسد:

نخستین صورت از صورت‌های سنن تاریخی در قرآن، در شکل و قیافه قضیه شرطیه ظاهر می‌گردد و بین دو پدیده یا دو مجموعه از پدیده‌ها در میدان تاریخ (و سیاست) ارتباط برقرار می‌شود. قرآن این ارتباط را به صورت رابطه مشروع و جدا، سخت به هم متکی می‌سازد؛ به طوری که می‌گوید هر وقت شرط محقق شود، تحقق جزا حتمی است. (صدر، بی تا و: ۱۰۱؛ بی تا ت: ۱۶۳)

نظیر:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ. (رعد / ۱۱)

همانا خداوند در هیچ گروهی تغییر و تحولی ایجاد نمی‌کند، مگر آنکه آن گروه، خود را دگرگون سازند.

این سنت اجتماعی و سیاسی به زبان قضیه شرطیه آمده است؛ زیرا بازگشت آن به وجود پیوند بین دو نوع تغییر است: تغییر حقیقت و ذات و درون و محتوای باطنی هر قوم، و تغییر در ظاهر، بنیان و بنای اجتماعی و سیاسی آن قوم.

صورت دوم سنن الهی که در قالب قضایای فعلیه قطعیه بیان می‌شوند، مربوط به قوانین طبیعی و تکوینی هستند؛ نظیر گردش زمین به دور خورشید یا وجود نیروی جاذبه زمین و... اینها معمولاً به صورت قوانین و قضایای علمی درمی‌آیند و انسان نمی‌تواند در این قضایا تغییری بدهد؛ زیرا از نوع قضایایی هستند که به صورت بالفعل تحقق یافته‌اند. نکته مهم این است که این‌گونه قضایا با اراده انسان و سرنوشت اجتماعی - سیاسی و تاریخی او ارتباطی ندارند.

صورت سوم سنت‌ها، در شکل گرایش‌ها و جذبه‌های فطری و طبیعی انسانی جلوه‌گر می‌شود. اینها واقعیت خارجی دارند و برای حرکت انسان به سوی تکامل به وجود آمده‌اند و از اصالت و اعتبار برخوردارند، ولی قاطعیت سنت‌های نوع اول و دوم را ندارند. از این رو، می‌توان کم و بیش با آنها مبارزه کرد و بر آنها سرپوش گذاشت. بازی با این سنت‌ها به زیان فرد و

جامعه است و انحرافات گوناگون را به دنبال خواهد آورد و در نتیجه، فرد به سوی هلاکت و جامعه نیز به سمت نابودی گام برخواهد داشت. برخی از این گرایش‌ها عبارتند از: «غریزه کنجکاوی»، «گرایش و جاذبه زناشویی»، «دین‌داری» و... شهید صدر در مورد سنن نوع سوم می‌نویسد:

این گرایش‌ها را نباید یک قانون‌گذاری اعتباری نامید، بلکه یک کشش اصلی است که برای پیمودن راه حرکت انسان به‌وجود آمده ... ریشه اینها در طبع انسان نهفته و ساختمان انسان بدانها وابسته است. (صدر، بی تا و: ۱۱۴؛ بی تا ز: ۱۷۳)

از نگاهی دیگر، شهید صدر انواع پدیده‌ها را که موضوع سنت‌ها و قوانین تاریخی می‌شوند، به سه دسته کلی طبیعی، فردی و اجتماعی تقسیم می‌کند. بنابراین، با توجه به این سه نوع پدیده و کنش، یعنی «طبیعی و علی، فردی و شخصی و اجتماعی»، سنت‌های حاکم بر جهان بشر نیز به سه صورت کلی «علی، انسانی (فردی) و اجتماعی» جلوه‌گر می‌شوند. ما در یک جمع‌بندی کلی، سنت‌ها و قوانین مورد نظر شهید صدر را به چند دسته تقسیم می‌کنیم:

۱. سنت‌های علی

این سنت‌ها و قوانین، بر روابط میان پدیده‌های طبیعی و فیزیکی حاکمند. این گروه، خود به دو دسته از سنن و قوانین تقسیم می‌شود:

الف) سنت‌هایی که در قالب گزاره‌های فعلیه قطعیه یا خبریه - بدون شرط - مطرح می‌شوند. قوانین طبیعی و کیهانی که در علوم طبیعی یا در عرصه هستی مطرحند، از این نوع سنت‌ها هستند؛ مانند حرکت دورانی سیارات یا قانون پیدایش شب و روز. به نظر شهید صدر، پندار غلط برخی از اندیشمندان غرب، که این سنت‌ها را با کل سنت‌ها و قوانین تاریخ برابر می‌بینند. باعث شده است تصور کنند:

اندیشه سنت‌های تاریخ به‌هیچ‌وجه با اندیشه آزادی و انتخاب انسان سازگار نیست؛ زیرا اگر سنت‌های تاریخ مسیر انسان و زندگی او را تنظیم می‌کند، در نتیجه دیگر برای آزادی انسان چه باقی می‌ماند؟ (صدر، بی تا و: ۱۰۸؛ بی تا ز: ۱۶۸)

ب) سنت‌ها و قوانین علی که در شکل گزاره‌های شرطیه مطرح می‌شوند، نظیر «جوش

